

دلالت‌های معنایی مصرف قلیان بین زنان بلوچ (مطالعه‌ای کیفی در روستای دامن شهرستان ایرانشهر)

بهروز روستاخیز^۱، عطیه آذرشب^{۲*}، امیلیا نرسیسیانس^۳

چکیده

برخلاف بسیاری از پژوهش‌های گذشته، که بیشتر با الهام از نوعی گفتمان پزشکی و آسیب‌شناختی به دنبال بررسی پیامدهای مصرف قلیان و مواد دخانی بر سلامت مصرف‌کنندگان بوده‌اند، هدف پژوهش حاضر فهم دلالت‌های معنایی چنین امری بین زنان بلوچ ساکن در روستای دامن شهرستان ایرانشهر است. با توجه به مسئله‌محوری پژوهش و مهم‌ترین هدفی که اشاره شد، در بعد روش‌شناختی از نوعی رویکرد کیفی متناسب با کار انسان‌شناختی، یعنی «مردم‌نگاری»، بهره برده‌ایم. در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهند که تمایل به مصرف قلیان در جامعه مطالعه‌شده صرفاً تمایلی فردی و آنی نیست و عملی ضد اجتماعی و ناهنجار به‌شمار نمی‌آید. به‌عکس، این عمل را باید در امتداد بسترهای فرهنگی ویژه‌ای دید که دلالت‌های معنایی خاصی را نیز به دنبال دارد. این موضوع به دنبال ارائه شش مقوله محوری مورد بحث قرار گرفته است: ۱. مصرف قلیان و تداوم سنت‌ها؛ ۲. مصرف قلیان، تأیید و هویت‌یابی اجتماعی؛ ۳. مصرف قلیان، رهایی از تنش و عاملیت زنانه؛ ۴. مصرف قلیان و اوقات فراغت؛ ۵. مصرف قلیان و درمان بیماری؛ ۶. مصرف قلیان، تقویت و تداوم انسجام گروه.

کلیدواژگان

زنان بلوچ، عاملیت زنانه، مصرف قلیان، هویت‌یابی.

b.roustakhiz@ut.ac.ir

۱. دانش‌آموخته دکتری مردم‌شناسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)

ati.azarshab@gmail.com

enerciss@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه مردم‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۲

مقدمه و بیان مسئله

مصرف توتون و تنباکو در ایران پیشینه‌ای طولانی دارد و نمی‌توان تاریخی دقیق برای ورود آن به کشور تعیین کرد. با این همه، وصف قلیان، به‌منزله یکی از ابزارهای این امر، در ادبیات فارسی تا قرن‌ها پیش قابل ردیابی است. محمدحسن سمسار در نوشتاری با عنوان «نظری به پیدایش قلیان و چُپق در ایران»، با طرح این نکته که توتون و تنباکو در پی دست‌اندازی پرتغالی‌ها به خلیج فارس در سال ۹۱۳ قمری وارد ایران شده است، به اشعاری اشاره می‌کند که در سال ۹۴۲ قمری سروده شده و می‌نویسد که این قدیمی‌ترین ذکر است که از قلیان در ادبیات فارسی شده و لذا می‌توان گفت که در همین سال، یعنی ۲۹ سال پس از ورود پرتغالی‌ها به سواحل جنوب، قلیان کشیدن در ایران رواج یافته است [۷، ص ۱۵]. از سوی دیگر، همچنین پژوهش‌های دیگری را می‌توان دید که در هریک بارها عنوان شده که مصرف قلیان و درواقع تنباکو قرن‌ها پیش در شبه‌قاره هند و آسیای جنوبی نیز رایج بوده است [۱۶؛ ۳۲؛ ۳۶؛ ۳۹؛ ۴۷]. البته این شیوه مصرف دخانی صرفاً به منطقه خاورمیانه و یا کشورهای آسیای جنوب شرقی نبوده و برای نمونه، در بسیاری از گزارش‌ها اظهار شده که حتی بسیاری از جوانان یا افراد بزرگ‌سال آمریکایی نیز از مصرف قلیان به‌عنوان جایگزینی برای سیگار و دیگر انواع دخانیات استفاده می‌کنند [۱۵؛ ۱۹؛ ۳۰؛ ۴۱؛ ۴۵]. همچنین، باید متذکر شد که جامعه هدف بسیاری از این نوع شیوه‌های مصرف دخانیات عمدتاً جوانان یا زنانی هستند که به نحوی از مصرف سیگار آن‌ها ممانعت به عمل آمده و لذا این شیوه مصرف به در دسترس‌ترین روش استعمال مواد برای آن‌ها تبدیل شده است [۲۵؛ ۴۶].

در حال، آنچه در میانه مطالب یادشده جالب توجه است، موقعیت جغرافیایی ایران و قرار گرفتن آن در مجاورت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و نیز شبه‌قاره و احتمالاً برقراری ارتباطها و مبادلاتی است که در عرصه‌های مختلف اقتصادی، تجاری، سیاسی و فرهنگی بین این مناطق برقرار بوده و بدین ترتیب موجب انتقال و اشاعه این نوع رفتار اجتماعی- فرهنگی در این پهنه جغرافیایی و فرهنگی شده است. این موضوع، به‌ویژه با نظر به گزارش‌هایی که راجع به شیوع بیشتر مصرف قلیان در میان استان‌های جنوبی ایران ارائه شده، بیشتر قابل باور است؛ چنان‌که در یکی از گزارش‌های مربوط به معیارهای سلامت در ایران آمده است مصرف دخانیات در زنان استان بوشهر نسبت به سایر استان‌های کشور بیشترین میزان را دارد و بعد از آن، استان‌های سیستان و بلوچستان با ۱۷/۸ درصد و هرمزگان با ۱۲/۵ درصد بیشترین میزان مصرف دخانیات زنان را به خود اختصاص می‌دهند [۶].

گسترده‌گی مصرف قلیان در نواحی جنوبی ایران، فارغ از ابعاد آسیب‌شناختی آن، همچنین می‌تواند از منظر پیوندی که با بافت اجتماعی و فرهنگی ویژه این نواحی می‌یابد نیز حائز اهمیت باشد. درواقع، اگرچه چرایی شیوع درخور توجه این رفتار آسیب‌زا- به‌رغم تلاش گفتمان

پزشکی و سلامت برای کاهش آن- همواره محل پرسش بوده، به گمان ما پاسخ به این پرسش مستلزم تأمل بر مجموعه‌ای از مسائل بنیادی‌تر است و از آن جمله اینکه زمینه‌های ادراکی این موضوع به لحاظ اجتماعی و فرهنگی چیست؟ به عبارت دیگر، چنین مصرفی حائز چه معانی یا کدام دلالت‌های معنابخش برای افراد مصرف‌کننده است؟ این امر چه نسبتی با موقعیت زیستی و جهان‌زندگی آن‌ها دارد و اساساً ایشان از خلال این امر چه چیزهایی را جست‌وجو می‌کنند؟ این پرسش‌ها، و بسیاری پرسش‌های مشابه دیگر، مصرف دخانیات و به‌طور مشخص مصرف قلیان را به امری اجتماعی ارتقا می‌بخشد و بر ضرورت فهم آن، به‌مثابه عملی اجتماعی و فرهنگی، تأکید می‌کند. ما در جست‌وجوی پاسخی برای این سؤال‌ها، با توجه به ماهیت مردم‌نگارانه پژوهش حاضر، تمرکز اصلی خود را بر میدانی کوچک در دل جامعه بزرگ جنوب گذاشته و به این ترتیب، پرسمان‌محوری خود را بر فهم دلالت‌های معنایی مصرف قلیان- به‌طور مشخص با استفاده از ابزار قلیان‌های سنتی به همراه تنباکوه‌های سنتی^۱، میوه‌ای و نیز نوعی ماده‌ای ترکیبی به نام گوداکو^۲ - بین زنان خانه‌دار یک روستا در شهرستان ایرانشهر متمرکز خواهیم کرد؛ روستای دامن.

ملاحظات نظری

به لحاظ نظری نیز، مصرف قلیان، همچون سایر موضوعات مطرح در جامعه، قابلیت بررسی از رویکردهای متفاوت شناختی همچون رویکردهای پزشکی، روان‌شناسانه، انحرافات اجتماعی، تاریخی و... را دارد؛ کما اینکه در بیشتر تحقیقات صورت‌گرفته در این زمینه منظرهای پزشکی و روان‌شناسانه غالب بوده و به این مسئله به‌منزله شیوه‌ای برای استفاده از مواد مخدر و افیونی اشاره شده که هم برای فرد مصرف‌کننده و هم اجتماعی که در آن زندگی می‌کند خطرات جبران‌ناپذیر و گاه مرگ‌بار در پی خواهد داشت [۳؛ ۵؛ ۱۳؛ ۱۷؛ ۲۶؛ ۴۳]. در همین زمینه، همواره آمارهای متعددی در رابطه با بیماری یا مرگ‌های اتفاق‌افتاده بر اثر مصرف قلیان و مواد دخانی در کشورهای در حال توسعه به‌طور مرتب انتشار می‌یابد؛ چنان‌که در یکی از گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۷) آمده است که از هر ده مرگ اتفاق‌افتاده در دنیا، یک مورد آن بر اثر استفاده از مصرف دخانیات است [۴۸].

پژوهش حاضر اما برخلاف رویکردهای ذکرشده و البته بدون آنکه قصد نفی نتایج این پژوهش‌ها را داشته باشد، بر نگاه دیگری تکیه دارد. درواقع، قصد ما پرداختن به مسئله مصرف قلیان بر مبنای هیچ‌یک از منظرهای شناختی یادشده نیست و در پی قضاوت درستی یا نادرستی این رفتار اجتماعی نیستیم. در اینجا تلاش شده با اتکا بر اصول و موازین علمی

۱. در اصطلاح محلی تمباک (tammāk)

۲. godācō

موجود در انسان‌شناسی و نیز با بهره‌گیری از نظرگاه‌هایی که اندیشمندان این حوزه ارائه داده‌اند، پدیده اجتماعی- فرهنگی مصرف‌قلیان مورد «تفهیمی تفسیری» قرار گیرد. بنابراین، مفاهیم و نظریه‌ها نیز در این پژوهش بر مبنای «سنت حساس‌سازی» و براساس میزان روشنائی بخشی‌شان در جریان کار استفاده شده و لذا آنچه در ادامه می‌آید شرح مفاهیم حساسی است که سرنخ‌ها و راهنمایی‌هایی درباره آنچه باید به دنبالشان بود به دست می‌دهند. مفهوم «حساسیت» در اینجا به معنای بازبودن ذهن پژوهش‌گر به روی اندیشه‌های متفاوت و به معنای مرتبط کردن بصیرت‌های نظری و داده‌هاست [۲].

از مفاهیمی که به‌ویژه در این زمینه- یعنی مصرف‌قلیان بین زنان- می‌توان مطرح کرد، مفهومی است که در دستگاه نظری پیر بوردیو ارائه شده است. بوردیو نیز به نوعی با طرح نظریه‌هایی که به وجود معانی ذاتی و ازپیش‌تعیین‌شده معتقدند مخالف بوده و در همین زمینه برای دستیابی به فهمی بهتر از پدیده‌های اجتماعی، از اصطلاحی با عنوان «عادت‌واره» استفاده می‌کند تا نشان دهد این مفهوم توأم با عاملیت افراد و تعیین‌بخشی ساختارها در ارتباط است. درحقیقت، او معتقد بود که رفتار افراد در اجتماع از پیش و صرفاً به وسیله شرایط و مکانیسم‌های اجتماعی تعیین‌شده شکل نگرفته و بلکه بخشی از یک فرایند پیچیده‌تر است. بوردیو قصد دارد این مسئله را طرح کند که افراد انسانی نیز میزانی از آزادی دارند که از طریق آن می‌توانند انتخاب‌های خود را درون پارامترهایی شکل دهند که به آن‌ها منتقل شده است. به‌این ترتیب، عادت‌واره عاملان به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا محدودیت‌هایی را که ساختار اجتماعی بر آن‌ها اعمال می‌کند اصلاح و تلطیف کنند [۲۱؛ ۲۲؛ ۴۲].

مواردی از این دست، که اغلب تلاشی است برای نشان دادن عدم تعین مطلق در رفتارها و پدیده‌های اجتماعی و وجود مقداری از سیالیت در جریان کنش‌ها و واکنش‌های مرسوم در اجتماع- فقط به مباحث مطرح‌شده از جانب بوردیو ختم نمی‌شود و در این زمینه نظریه‌های متعددی را می‌توان دید. از آن جمله می‌توان به تبیین جیمز فرناندز و مفهومی از او با عنوان «حرکت»^۱ اشاره داشت؛ تأکیدی بر اینکه تجربه فرهنگی تجربه‌ای تکه‌تکه و گسسته است. از منظر او، مردم‌نگاری باید به ثبات و ضبط تغییرپذیری‌های معنا، بدون ساده‌انگاشتن این تغییرپذیری‌ها، بپردازد؛ لذا در اینجا اگر انسجامی هم اتفاق بیفتد، از تدبیر و اندیشه فرد یا افراد راجع به موضوعات فرهنگی- اجتماعی مختلف ریشه گرفته است. بنابراین، از دیدگاه فرناندز، افراد به‌طور پیوسته و در موقعیت‌های گوناگون در حال حرکت و انتقال‌اند؛ حرکت‌هایی که موجب می‌شود آن‌ها این قابلیت را داشته باشند که همواره از یک وضعیت سرشار از ابهام و تعریف‌نشده به سوی وضعیتی انتقال پیدا کنند که مشخص و عینیت‌یافته است. وضعیتی که

1. movement
2. mutabilities of meaning

گفته شد در غالب کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی که بین افراد رخ می‌دهد قابل رؤیت است. درحقیقت، آن‌ها همواره می‌کوشند برای رهایی از ابهام مفاهیم و معانی خاصی ایجاد کنند. این معانی را استفاده کنند و سرانجام با قراردادن آن‌ها کنار یکدیگر کنش‌هایی خلق کنند که موجب تعیین هرچه بیشتر موقعیتشان می‌شود [۲۷؛ ۲۸].

آنچه تا بدین‌جا اشاره شد البته به‌نحوی بوده که عمدتاً در جریان‌های اجتماعی تمرکز تبیینی خود را بیشتر بر کنش‌گران پدیده‌های اجتماعی گذاشته است؛ اما همچنین، درعین‌حال، نیازمند مفاهیمی هستیم تا طیف دیگر این جریان‌ها، یعنی ساختارها، را نیز نادیده نگذارد. در این باره، به‌ویژه دیدگاه میشل فوکو دیدگاهی بس جالب‌توجه است. شاید بتوان گفت یکی از مفاهیم مهمی که وی در این زمینه به‌خوبی توانسته در تبیین‌های پساساختارگرایانه خود از آن استفاده کند مفهوم «قدرت» است. به زعم فوکو، قدرت هرچند ممکن است در میدان‌ها و بسترهای مختلف و با صور متعدد خود را بنمایاند، آنچه مهم و مسلم است این مسئله است که چنین امری صرفاً در عمل موجودیت می‌یابد و خود را نشان می‌دهد. به تبع این موضوع، آنچه در عمل و در رابطه دوسویه ساختارها و عاملان رخ می‌دهد، اعمال قدرت برخی افراد بر برخی دیگر است و این موضوعی است که مسبوق به ادوار و مکان‌های مختلف با صورت‌های بسیار متفاوت بوده است. باین‌همه و اگرچه قدرت عمدتاً به‌نحوی غیرمستقیم بر کنش‌گران پدیده‌های اجتماعی تأثیرگذار بوده است، با وجود اعمال فشار بر عاملان، آنجا که یک رابطه قدرت موجودیت خویش را در معرض تهدیداتی مهلك تشخیص می‌دهد، به‌ناچار جهت ابقای خود بستری مهیا می‌کند که تامین‌کننده میزانی از کنش‌ورزی عاملان است تا از این طریق به حدی از عاملیت دست یابد [۲۹].

افزون بر این، برای کسب دریافتی عمیق‌تر از مضمون مورد پرسش در این مطالعه، هم‌زمان می‌توان از رویکردهایی سود جست که حول موضوعاتی با محوریت اوقات فراغت می‌گردد. از مهم‌ترین این رهیافت‌های نظری، نظریه نیازهاست که به نحوی شایسته به این مسئله پرداخته است. در این زمینه، از سوی اندیشمندان متعدد تبیین‌های نظری روشنگرانه‌ای ارائه شده است؛ همچون برانیسلاو مالینوفسکی که به طرح «نظریه نیازها» پرداخته است. وی از نخستین کارکردگرایانی است که در انسان‌شناسی به مفهوم فرهنگ توجهی ویژه نشان داده است.

رویکرد اخذشده از سوی مالینوفسکی به نحوی است که در وهله نخست توجهی خاص به فرد در مقابل کلیت اجتماع نشان می‌دهد و درعین‌حال می‌خواهد از این طریق بین فرد و جامعه ارتباطی برقرار کند. با محوریت قرار دادن فرد، نظریه نیازهای مالینوفسکی نشان می‌دهد که فرهنگ ابزاری است در جهت تأمین نیازهای مختلف بیولوژیکی، اجتماعی، روان‌شناختی و... افراد. نکته‌ای که در نظریه مالینوفسکی نهفته است این است که پاسخ نهاد‌های فرهنگی صرفاً به نیازهای سطوح پایین، همچون نیازهای بیولوژیکی، منحصر و محدود نمی‌شود، بلکه افراد با

تأمین شدن نیازهای سطوح اولیه به صرافت می‌افتند تا به نیازهای ثانویه، که بعدها ایجاد می‌شود، پاسخی مطلوب و مناسب بدهند. به این ترتیب، «فرهنگ به یک شبکه رفتاری بسیار پیچیده تبدیل می‌شود که به نیازهای پیچیده پاسخ می‌دهد که می‌تواند در نهایت، ولی نه همیشه، به صورت سریع به فرد برگردد» [۱۲]. این موضوعی است که در مبحث پیش روی با کاربست اندکی کنکاش در صدد شفاف کردن بیشتر آن هستیم؛ یعنی در جست‌وجوی فهم آن باشیم که چه و چگونه احساس نیاز به برخی موضوعات بین زنان بلوچ موجد پرداختن به برخی فعالیت‌ها، همچون مصرف قلیان، می‌شود.

در علوم اجتماعی، همواره تلاش شده رویکردهای یک‌جانبه به پدیده‌های اجتماعی کنار گذاشته شود و امور در کلیت خویش با همه اجزا و عناصر آن در نظر گرفته شوند. به همین دلیل، در این پژوهش نیز تمرکز ما بر این بوده آنچه برای ما موضوعیت تبیینی پیدا کرده است (مصرف قلیان بین زنان بلوچ)، در کلیت خود بررسی شود. به تعبیر مارسل موس، انسان‌شناس فرانسوی، همه موضوعات اجتماعی می‌توانند «پدیده‌هایی تام» در نظر گرفته شوند و به‌طور کل در بستری از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و... فهم‌پذیر شوند [۳۸؛ ۴۴]. در اینجا نیز، رویکردی که اتخاذ کرده‌ایم کوششی است در جهت عملی کردن این دیدگاه.

پیشینه تجربی

چنان‌که در صفحات گذشته نیز اشاره شد، به دلیل شیوع نسبتاً بالای مصرف مواد دخانی همچون قلیان، پژوهش‌گران حوزه‌های مختلف هریک به اقتضای موازین و محوریت‌هایی که تخصص ایشان ایجاد می‌کرده به انجام دادن تحقیقاتی دست زده و در این زمینه مباحثی ارزنده ارائه کرده‌اند. از این رو، برای کسب پیش‌زمینه و دانش بیشتر در این باره، شاید نیازمند مدخلی جهت دستیابی به درکی هرچه بهتر از موضوع پژوهشی حاضر باشیم؛ لذا در ادامه به مطالعاتی از این دست اشاره‌ای خواهیم داشت که در قلمروهای مختلف علمی انجام گرفته است.

از جمله مطالعات قابل ذکر در این حوزه، می‌توان به مطالعه‌ای کیفی اشاره کرد که جهان‌پور و همکاران وی (۱۳۹۳) با تمرکز بر «علل گرایش به مصرف قلیان در نوجوانان و جوانان» انجام داده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که فرهنگ رایج استفاده از قلیان بین خانواده‌ها و دوستان، اجرانشدن قوانین منع مصرف در مجامع عمومی، ناآگاهی و باور غلط مردم درباره کم‌ضررتر بودن قلیان از سیگار، مطلوب بودن طعم و بوی قلیان‌های میوه‌ای، نداشتن سرگرمی‌های سالم جایگزین و احساس فشارهای اجتماعی بین جوانان بیشترین دلایل اشاعه روزافزون قلیان به‌شمار می‌رود [۴].

در پژوهشی مشابه، دهداری و همکاران (۱۳۹۱) با «بررسی دیدگاه‌های دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران در مورد عوامل مؤثر بر مصرف قلیان» دریافته‌اند که عوامل مهم و مؤثر بر

مصرف قلیان از دیدگاه این دانشجویان شامل پرکردن اوقات فراغت، مقرون‌به‌صرفه بودن، کاهش اضطراب، رفع خستگی، دسترسی به قلیان و داشتن دوستان قلیانی است. لذا طراحی فعالیت‌های چندجانبه برای پرکردن اوقات فراغت دانشجویان خوابگاهی، مانند ترویج ورزش، آموزش روش‌های حل مسئله برای کاهش اضطراب و خستگی و یادگیری مهارت‌های نه‌گفتن در برابر تقاضای دوستان برای کشیدن قلیان، می‌تواند به کاهش میزان کشیدن قلیان در این گروه منجر شود [۵].

سهراب‌زاده و پرنیان (۱۳۹۴) با پژوهشی درباره مصرف قلیان در میان دختران و زنان جوان شیراز نشان دادند افراد بررسی‌شده به دلیل دوست‌محوری، برابری‌گرایی، تجددگرایی، لذت‌گرایی، تغییر الگوی فراغت و فشار و درماندگی به مصرف قلیان روی آورده‌اند. علاوه بر این، استراتژی افراد مورد بحث در مصرف قلیان شامل: ادامه مصرف به روش پنهان یا آشکار، ترک مصرف و تشدید و تغییر الگوی مصرف بوده است، اما، درنهایت، مصرف این ماده دخانی موجب گسترش ناهنجاری و آسیب، پشیمانی و احساس گناه و طرد و بی‌اعتمادی اجتماعی شده است [۸].

گذشته از موارد ذکرشده، باید به مطالعه‌ای توجه کرد که محمدخانی و رضایی‌جمالی (۱۳۹۵) درباره «رابطه مصرف سیگار و قلیان با عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی نوجوانان» انجام داده‌اند. با پرداختن به این مسئله، آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که شیوع مصرف سیگار و قلیان در نوجوانان در حال افزایش و سن شروع آن‌ها رو به کاهش است. مصرف سیگار و قلیان در نوجوانان پدیده‌ای چندعاملی و چندسطحی است و عوامل تعیین‌کننده‌گرایش به آن‌ها در سطوح متعدد فردی، اجتماعی و خانوادگی قرار دارد که باید در مداخلات پیشگیری، کنترل و ترک سیگار و قلیان مدنظر قرار گیرد [۱۱].

همچنین، علاوه بر تحقیقاتی که در داخل ایران درباره موضوع مصرف قلیان انجام شده است، محققان خارجی نیز از توجه به چنین مسئله‌ای غافل نمانده و پژوهش‌های متعددی در این حیطه انجام داده‌اند؛ مثلاً، گایدری^۱ و همکاران وی (۲۰۱۷) طی پژوهشی با بررسی هزار پست انتخاب‌شده در صفحات متفاوت اینستاگرام دریافتند که استعمال قلیان به‌منزله یکی از شیوه‌های مؤثر در دستیابی به آرامش و داشتن اوقاتی خوش‌تلقی شده و در اکثر پست‌هایی که بررسی شده نگرشی مثبت وجود داشته است. بنابراین، با توجه به افزایش روزافزون افرادی که به مصرف قلیان روی می‌آورند و نیز ناآگاهی از تأثیرات منفی آن بر سلامتی، این مسئله به موضوعی مهم در حوزه سلامت همگانی تبدیل شده که باید برای آگاه‌سازی افراد اقداماتی انجام شود [۳۱].

مازیاک^۲ و همکارانش (۲۰۱۴) نیز مطالعه‌ای با عنوان «همه‌گیرشناسی جهانی مصرف قلیان» انجام داده‌اند. آن‌ها متوجه شدند که مصرف قلیان اغلب بین افراد جوان شایع بوده و

1. Guidry
2. Maziak

برخی عوامل در شیوع بیشتر آن نقش داشته‌اند؛ همچون: معرفی و تبلیغات شرکت‌های تولیدکننده تنباکو، وجود برخی خرده‌فرهنگ‌های مرتبط با مصرف قلیان در برخی کافه‌ها، تحولاتی که در رابطه با رسانه‌های ارتباط جمعی اتفاق افتاده و نیز نبود قوانین و مقررات خاص در ارتباط با مصرف قلیان. علاوه بر این، آن‌ها معتقدند با وجود اینکه مصرف قلیان عمدتاً در منطقه خاورمیانه رایج است، به سرعت در حال انتشار به سایر مناطق است و به این ترتیب در حال نفوذ به گروه‌هایی چون جوانان، زنان، گروه‌های شهری و نیز طبقات بالای اجتماعی-اقتصادی جامعه است [۳۹].

در پایان نیز، باید از مطالعه ناکاش^۱ و خلیل (۲۰۱۰) نام برد که درباره برچسب‌های هشداردهنده روی محصولات تنباکویی مرتبط با قلیان انجام داده‌اند. آن‌ها دریافتند برچسب هشدار سازمان بهداشت جهانی در مورد خطر زایودن محصولات تنباکویی یا موارد مشابه آن روی محصولات تنباکویی قرار داده نشده است و این موضوع در تعارض با منافع سلامت عمومی به‌ویژه در میان گروه‌های مصرف‌کننده مطالعه‌شده در لبنان، بحرین، فلسطین، سوریه، آلمان، کانادا، دبی و آفریقای جنوبی است [۴۰].

روش‌شناسی

با توجه به مسئله محوری پژوهش و اهدافی که تشریح شد، در بعد روش‌شناختی از نوعی رویکرد کیفی متناسب با کار انسان‌شناختی، یعنی «مردم‌نگاری»، استفاده شده است. این رویکرد روش‌شناختی برای پژوهش‌گران امکان‌هایی را جهت مطالعه فرهنگ مردم در یک موقعیت طبیعی فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، محققان امکان می‌یابند تا گروهی از مردم را در حالی که در جریان زندگی روزمره خود غوطه‌ورند مشاهده و مطالعه کنند [۲۳]. در جهت گردآوری داده‌های مردم‌نگارانه نیز، و به‌طور مشخص، از تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه و ثبت روابط اجتماعی، که در میان سوژه‌های تحقیق در جریان بود، بهره برده‌ایم [۳۵].

میدان مطالعه‌شده نیز، چنان‌که اشاره شد، روستای دامن در ۲۵ کیلومتری ابرانشهر است که در شمال شرق این شهرستان واقع شده است. ساکنان این روستا بلوچ‌تبارند و به زبان بلوچی صحبت می‌کنند. مشارکت‌کنندگان پژوهش، به‌طور مشخص، زنان خانه‌داری بودند که در این روستا زندگی می‌کردند. با وجود این، به دلیل گستردگی نسبی جمعیت و نیز پراکندگی آن‌ها در سطح روستا، دسترسی و امکان ایجاد و برقراری ارتباط با یکایک ایشان عملی آسان به نظر نمی‌آمد؛ لذا، می‌بایست به انتخاب و نمونه‌گیری بین برخی از سوژه‌های مورد نظر پژوهش دست می‌زدیم. بنابراین، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و نیز گلوله برفی با ۱۹ نفر

از زنان مرتبط با موضوع وارد گفت‌وگو و مصاحبه شدیم. از افراد اشاره‌شده در جریان روابط معمول و روزمره، پس از ایجاد فضایی که به ایشان اطمینان مطلوب را جهت انجام‌دادن گفت‌وگو القا می‌کرد، پرسش‌هایی کلی در رابطه با مسئله مصرف قلیان پرسیده می‌شد. سؤالاتی پیرامون اینکه دربارهٔ زمینه‌های مصرف قلیان چه نظری دارند؟ با مصرف قلیان به دنبال دست‌یافتن به چه چیزهایی هستند؟ یا آنکه چنین امری چگونه با زندگی خانوادگی و اجتماعی ایشان پیوند یافته است؟ درواقع، سعی می‌شد به مشارکت‌کنندگان آن میزان از اختیار مطلوب برای بسط و جهت‌گیری پاسخ‌هایشان داده شود؛ از همین رو، چه بسیار نکاتی که در پرسش‌های ما کمتر دیده شده بود، اما از سوی خود مشارکت‌کنندگان بدان‌ها اشاره شد. مهم‌تر از گفت‌وگوهای مصاحبه‌ای، حضور در مجالس زنانه و مشاهدهٔ اعمال ایشان حین مصرف قلیان و ثبت بعدی روابط جاری در این فضاها یکی از ابزارهای اساسی ما در دستیابی به نتایج متنوع بود. لکن نکته‌ای که در اینجا ذکر آن خالی از اهمیت نیست اینکه جامعهٔ زنان روستای دامن به‌طور کلی و نیز زنانی که به‌عنوان نمونه مطالعه شدند، به دلیل سکونت در یک جامعهٔ روستایی نسبتاً کوچک به‌لحاظ اجتماعی، عمدتاً از نوعی یک‌دستی برخوردار بودند و در نتیجه این امر باعث می‌شد نقاط افتراق و تفاوت‌های ایشان در پژوهش حاضر چندان تعیین‌کننده نباشد. با توجه به اهمیت و تأثیر داده‌های حاصل از حضور در میدان در کیفیت و افزایش اعتبار پژوهش مردم‌نگارانه، در این تحقیق نیز کار میدانی و جست‌وجو را تا آنجا ادامه دادیم که در اصطلاح مرسوم می‌توان گفت به یک «اشباع نظری» قابل قبول در این زمینه دست پیدا کردیم. از سوی دیگر، نمی‌توان انکار کرد که ما خود به‌واسطهٔ زندگی طولانی‌مدت در جامعهٔ جنوب، و به‌طور مشخص بلوچستان، تجربهٔ زیسته در این جامعه داشتیم و از آن نیز در کنار سایر داده‌ها استفاده کردیم.

درنهایت اینکه به‌منظور استخراج مقولات محوری و مضامین کلیدی از دل یافته‌ها، از تکنیک «تحلیل موضوعی» استفاده شده است [۲۴]؛ نوعی تحلیل غیرمکانیکی و کاملاً منعطف که اجازه می‌دهد داده‌ها خود سخن بگویند. به‌طور مشخص، پس از آنکه مشاهدات میدانی و گفت‌وگوها انجام گرفت، برای نگارش روی کاغذ و نیز بررسی و مطالعهٔ مجدد داده‌ها اقدام شد. از این رو، به نوشتن ایده‌های اولیه دربارهٔ مسئله مصرف قلیان بین زنان روستای دامن اقدام و به این ترتیب تلاش کردیم داده‌های میدانی به‌دست‌آمده را به بخش‌های کوچک‌تر تفکیک کنیم؛ تا از این طریق قادر به کدگذاری اولیهٔ ویژگی‌های درخور توجه موضوع مورد نظر باشیم. در ادامه، از بخش‌های کدگذاری‌شده مضامین کلی‌تری استخراج شد. در پایان نیز، پس از توضیح همهٔ مضامین به‌دست‌آمده دربارهٔ پدیده مصرف قلیان بین زنان روستا، در جهت دستیابی به یک استنباط تفسیری کلی از موضوع حرکت شد. پایبندی به اخلاق پژوهش نیز ایجاب می‌کرد تا رعایت اصل محرمانگی و گمنامی اطلاع‌رسان‌ها و مصاحبه‌شوندگان تا حد امکان صورت گیرد.

در همین ارتباط، همچنین تأکید می‌شود که جامعه مطالعه‌شده از انجام‌دادن پژوهش حاضر و اهداف آن آگاهی داشتند و به‌صورت داوطلبانه و با رضایت کامل در این کار مشارکت کردند. در جدول ۱، مشخصات مشارکت‌کنندگان و اطلاع‌رسان‌های پژوهش آمده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان و اطلاع‌رسان‌های پژوهش

ردیف	شماره مشارکت‌کننده	سن	تعداد سال‌های مسوول	نوع کار	وضعیت تأهل	پست	مکان مسوول	زمان مسوول
۱	۵۹	۳۷	بی‌سواد	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۷	
۲	۵۴	۳۲	ابتدایی	متأهل	خانه‌دار	شهرستان ایرانشهر	۱۳۹۷	
۳	۶۱	۴۷	بی‌سواد	مجرد- بیوه	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۶	
۴	۴۶	۲۷	ابتدایی	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۶	
۵	۳۱	۸	ابتدایی	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۶	
۶	۳۸	۲۰	بی‌سواد	مجرد- مطلقه	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۷	
۷	۲۳	۵	دیپلم دبیرستان	متأهل	خانه‌دار	شهرستان ایرانشهر	۱۳۹۶	
۸	۵۳	۳۶	بی‌سواد	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۷	
۹	۴۱	۲۴	بی‌سواد	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۶	
۱۰	۲۷	۹	ابتدایی	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۶	
۱۱	۲۹	۶	سوم راهنمایی	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۷	
۱۲	۳۴	۱۵	ابتدایی	مجرد- مطلقه	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۶	
۱۳	۵۹	۴۴	بی‌سواد	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۶	
۱۴	۶۴	۴۹	بی‌سواد	مجرد- بیوه	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۶	
۱۵	۳۲	۱۲	دیپلم دبیرستان	متأهل	خانه‌دار	شهرستان ایرانشهر	۱۳۹۷	
۱۶	۵۸	۴۱	بی‌سواد	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۷	
۱۷	۱۹	۲	سوم راهنمایی	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۶	
۱۸	۲۵	۷	دیپلم	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۷	
۱۹	۴۴	۲۱	بی‌سواد	متأهل	خانه‌دار	روستای دامن	۱۳۹۷	

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که تمایل به مصرف‌قلیان در جامعه مطالعه‌شده صرفاً تمایلی فردی و آنی نبوده و چندان عملی ضد اجتماعی و ناهنجار نیز به‌شمار نمی‌آید. به‌عکس، این عمل را باید در امتداد بسترهای فرهنگی ویژه‌ای دید که دلالت‌های معنایی منحصر به فردی را نیز به دنبال دارد. این موضوع به دنبال ارائه شش مقوله محوری مورد بحث قرار گرفته است: ۱. مصرف‌قلیان و تداوم سنت‌ها؛ ۲. مصرف‌قلیان، تأیید و هویت‌یابی اجتماعی؛ ۳. مصرف‌قلیان، رهایی از تنش و عاملیت زنانه؛ ۴. مصرف‌قلیان و اوقات فراغت؛ ۵. مصرف‌قلیان و درمان بیماری؛ ۶. مصرف‌قلیان، تقویت و تداوم انسجام گروه. هر یک از مضامین استخراج‌شده از داده‌ها و به‌طور خلاصه، مفاهیم، مضامین و نیز هسته مرکزی به‌دست‌آمده از داده‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. هسته مرکزی، مضامین و مفاهیم پدیده مصرف‌قلیان بین زنان بلوچ

ردیف	هسته مرکزی	مضامین	مفاهیم
۱		مصرف‌قلیان و تداوم سنت‌ها	انتقال فرهنگی پدیده مصرف‌قلیان از طریق جامعه‌پذیری افراد و حضور آن در شئون مختلف زندگی
۲		مصرف‌قلیان، تأیید و هویت‌یابی اجتماعی	استفاده از قلیان برای عبور از یک مرحله گذار؛ یعنی ازدواج و تلاش برای یافتن جایگاهی تأییدشده از سوی اجتماع زنانه
۳	مصرف‌قلیان به‌مثابه یک پدیده اجتماعی- فرهنگی و در ارتباط تنگاتنگ با عوامل زمینه‌ای متعدد	مصرف‌قلیان، رهایی از تنش و عاملیت زنانه	نیاز زنان روستا به جست‌وجوی راه‌های برون‌رفت در برابر حضور ساختار اجتماعی مردسالار؛ استعمال قلیان به‌عنوان یکی از شیوه‌های در دسترس مقابله زنان برابر ساختار مزبور و گریز از فشارهای حاکم؛ به‌دست گرفتن قدرت عمل با جلب برخی مردان به گروه‌های زنانه مصرف‌قلیان به‌وجود آمدن آگاهی افزون‌تر به اوقات فراغت و شیوه‌های گذراندن آن؛ روی آوردن به قلیان به‌مثابه ابزار جایگزین اوقات فراغت
۴		مصرف‌قلیان و اوقات فراغت	ایجاد باور به درمان‌کنندگی قلیان از طریق جامعه‌پذیری و عمل به آن در جامعه روستایی
۵		مصرف‌قلیان و درمان بیماری	گردهم‌آیی زنان به‌علت وجود برخی عوامل زمینه‌ای چون انجام‌دادن برخی فعالیت‌ها و امتداد این امر به‌وسیله استعمال قلیان
۶		مصرف‌قلیان، تقویت و تداوم انسجام گروه	

مصرف قلیان و تداوم سنت‌ها

پدیده مصرف قلیان از رفتارهای اجتماعی- فرهنگی است که در این اجتماع کوچک محلی در بطن جریان‌های مختلف زندگی مردم به‌طور دائم جریان داشته است. از دیرباز، در مجالس و مراسم‌های مختلف، همچون عروسی، سوگواری، تولد نوزادان و نیز مهمانی‌هایی که به دلایل مختلف برپا می‌شده و میزبانان به پذیرایی از مدعوین خویش می‌پرداختند، قلیان از دسته اقلام پذیرایی و تکریمی بوده که سرکردن آن جزء بایسته‌های رسوم پذیرایی و مهمانی‌ها قلمداد می‌شده است. کما اینکه پژوهش‌گران خود طی جریان حضور میدانی‌شان در روستای دامن، در موقعیت‌ها و مکان‌های مختلف به کرات شاهد پذیرایی افراد با قلیان بودند. از این منظر، ملاحظه می‌کنیم که این رفتار- که از سنین نوجوانی و جوانی به آن پرداخته می‌شود- از عادات‌های فرهنگی زنان مطالعه‌شده بوده و به‌طور پیوسته در فراگردهای جامعه‌پذیری افراد این اجتماع بالنسبه کوچک هم‌زمان هم از نسل‌های پیشین به اخلافشان منتقل شده و هم اینکه در ترازوی با مسئله انتقال به نسل‌های بعدی باز تولید شده است. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش با تأکید بر این نکته می‌گفت:

در صورتی که افراد در مهمونی‌ها و مجالس با قلیان و چای پذیرایی نشن، علاوه‌بر بی‌احترامی به مهمون‌ها، بی‌احترامی به سنت‌های دیرینه ماست (مشارکت‌کننده ۴).

یکی دیگر از اطلاع‌رسان‌ها نیز این‌گونه عنوان می‌کرد:

زمانی که در حال برگزاری مراسم عروسی برادرم بودیم، مادر عروس تماس گرفت و با ناراحتی گفت: تعداد قلیون‌هایی که برای پذیرایی خریداری کردید کافی نیست و این باعث شرمساری ما جلوی مهمون‌ها شده (مشارکت‌کننده ۱۸).

مصرف قلیان، تأیید و هویت‌یابی اجتماعی

ازدواج و تقبل نقش‌خانه‌داری از سوی زنان مرحله‌ای حساس است که بسیاری از نقش‌ها، مسئولیت‌ها، وظایف و حقوق مرتبط با آن در ابعادی وسیع از زندگی ایشان تغییراتی بنیادین را منجر می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر نیز حاکی از این است که شروع مصرف قلیان از رفتارهای فرهنگی- اجتماعی نهادینه‌شده‌ای است که پس از اتفاق افتادن این مرحله گذار، یعنی پس از ازدواج، رخ می‌دهد. زنانی که پس از این وارد مرحله جدیدی از زندگی‌شان شده‌اند، در کنار بسیاری از باید و نبایدها، این فرصت را دارند که به گروه‌های دوستی و خویشاوندی جدیدی که با شرایط کنونی‌شان همخوانی بیشتری دارد بپیوندند و همان‌طور که می‌دانیم، بسیاری از این گروه‌ها قوانین نانوشته‌ای دارند که اعضا باید آن‌ها را رعایت کنند تا در نتیجه مقبول گروه واقع شوند. پدیده مصرف قلیان در میان گروه‌های دوستی زنان خانه‌دار در روستای دامن داستانی این‌گونه است.

اگر از مصرف قلیون اجتناب می‌کردم، دوستانم مسخره‌م می‌کردن [...] به همین دلیل مصرف قلیان رو به طعنه‌های دوستانم ترجیح می‌دادم (مشارکت‌کننده ۱۲).

نقل قول کوتاه یادشده به‌روشنی نشان می‌دهد که افراد برای اینکه از سوی اجتماع زنان متأهل و خانه‌دار پذیرفته شوند، به‌زودی رفتارهای تأییدشده گروه، همچون مصرف قلیان، را فرامی‌گرفتند و انجام می‌دادند. همنوایی یا شاید تلاش برای هم‌رنگی با اجتماع زنانه به فردی که به‌تازگی در این موقعیت قرار گرفته است همچنین امکانی برای بازتعریف هویت خواهد بخشید و به او کمک خواهد کرد با اخذ تأیید گروه، به جایگاهی مطلوب‌تر در اجتماع محلی خود نائل شود. در اینجا، مصرف قلیان فقط مصداقی عینی برای اعلام پذیرش و پایبندی به هنجارهایی است که اجتماع مزبور بر پایه آن‌ها بنا شده و آن‌ها را ترویج می‌کند. در ادامه، برای تفهیم بیشتر موضوع بخشی از صحبت‌های یکی از ایشان نقل می‌شود:

علاقه دارم با انجام‌دادن برخی کارها احساس بهتری به خودم پیدا کنم، چیزی که احساس کنم مثلاً با انجام اون توجه اطرافیانم به من بیشتر می‌شه. قلیون از همون چیزهاییه که باعث این اتفاق می‌شه (مشارکت‌کننده ۱۱).

مصرف قلیان، رهایی از تنش و عاملیت زنانه

سخن از زنان خانه‌داری است که در یک محیط سنتی به‌نسبت دست‌نخورده زندگی می‌کنند. ایشان طبق برخی موازین و چارچوب‌های مردسالارانه، اختیارات اندک و حوزه عمل محدودی داشته و بیشتر در جهت تحقق خواسته‌هایی حرکت می‌کنند که نظم موجود تعیین می‌کند. به‌نحوی که تجربه زیسته یکی از نویسندگان در مقام یک زن نیز نشان می‌دهد که چارچوب‌های مزبور صرفاً به زنان خانه‌دار روستایی معطوف نبوده و در برخی موارد عموم جامعه زنان را درگیر خود کرده است. قرار نداشتن در جایگاه تعیین‌کنندگی و متحمل‌شدن فشارهایی، چه در فضای خانه و چه در سطح اجتماع بزرگ‌تر یعنی روستا، به این مسئله منجر می‌شود تا آن‌ها به دنبال یافتن راه برون‌رفتی باشند و از آن طریق تنش‌ها، تعارض‌ها و فشارهایی را که ناچارند به دوش کشند تخفیف دهند. یکی از مشارکت‌کنندگان در همین باره می‌گوید:

مسئولیت‌های بسیاری برعهده دارم و به جز کارهایی که باید در منزل انجام بدم، باید انتظارات بسیاری از آشنایان و افراد فامیل رو هم برآورده کنم؛ مثلاً خیلی مواقع باید به مهمون‌ها، عمه‌ها و مادر همسر رسیدگی کنم. همه این‌ها باعث می‌شه احساس خستگی جسمی و روحی بسیاری داشته باشم. به همین دلیل خیلی مواقع، بعد از انجام‌دادن کارها، قلیون می‌کشم (مشارکت‌کننده ۵).

با این اوصاف، پیداست که افراد گاه برای رهایی از فشارهای اعمال‌شده و تمدد اعصاب به دنبال راهی برای دوری‌جستن از انبوه تعارض‌ها می‌گردند و گویی در اینجا یکی از

راه‌های در دسترس به‌منظور دست‌یابی به چنین آرامشی، روی آوردن به مصرف چیزی است که اجتماع و هنجارهای سنتی نیز آن را مذموم نمی‌داند: قلیان. تأمل عمیق‌تر بر این مسئله از زوایای پنهان‌تر دیگری پرده برمی‌دارد. به‌عبارتی، ساده‌انگاری است اگر زنانی را که وصفشان آمد در این میدان زنانی منفعل و صرفاً پذیرا ببینیم. درواقع، به‌نظر می‌رسد فعالیت‌هایی همچون مصرف قلیان فراهم‌کننده فضایی‌اند که در آن امکان‌هایی برای کنش‌ورزی زنانه فراهم می‌آید؛ نوعی کنش‌ورزی که نشان از عاملیت یا حتی مقاومتی خاموش و غیررسمی در برابر ساختارهای مسلط دارد. در همین زمینه، گفت‌وگوها و یافته‌های مشاهده‌ای ما نشان می‌دهد که فضای دورهمی‌های زنانه به هنگام مصرف قلیان گاه حتی به‌زودی موجب جلب برخی مردان و همپاکردن ایشان می‌شود. اما در اینجا صحبت از فضایی است که، برخلاف بسیاری از موقعیت‌های دیگر، مدیریت و نظم آن کاملاً برعهده خود زنان بوده و ایشان در چارچوب آن با اتخاذ استراتژی‌هایی خرد و هوشمندانه به نوعی قدرت عمل را در اختیار می‌گیرند؛ مثلاً، طی فراگرد استعمال قلیان، که محدودیت و نظم خاصی در مصرف آن وجود ندارد، می‌بینیم که طرح مباحثی فضای موجود را به سمت «غیبت» و حتی «بدگویی» سوق می‌دهد؛ غیبت و بدگویی از شوهر، خانواده او، هووها و... .

دبورا جونز (۱۹۸۰) با تعبیری جالب غیبت و بدگویی را نوعی سلاح زنانه در میدان‌هایی می‌داند که در آن‌ها همواره سعی می‌شود از زنان سلب قدرت شود [۳۴]. در همین موقعیت و در اثنای این رخداد، همچنین می‌توان شاهد بیان شوخی‌هایی بود که اغلب متناسب با احوالات زنانه قلمداد شده و ایشان در مکان‌های دیگر فرصت بیان آن‌ها را نداشته‌اند؛ مطالبه‌هایی که اساساً طرحشان ناشایست دانسته می‌شود. جالب اینکه در اینجا این مردان حاضر در محفل‌اند که باید خود را با فضا تطبیق دهند و پذیرای نظم آن باشند. نقل‌قول کوتاه زیر درک بهتری از این فضا به‌دست می‌دهد:

همسر مرد ساکت و با‌بهنیه. اکثراً پیگیر کارهای مربوط به زمین کشاورزیه، اما گاهی که با خواهران خودم و او همنشینی می‌کنم و دورهمی در حال گفت‌وگو و قلیان کشیدن هستیم، رفتارش مقداری تغییر می‌کنه. به جمع ما ملحق می‌شه، مهربون‌تر از روزهای دیگه می‌شه و در صحبت‌هامون ما رو همراهی می‌کنه (مشارکت‌کننده ۷).

بنابراین، این‌گونه است که می‌توان متوجه ظهور و تداوم مقاومت‌هایی هرچند جزئی از سوی زنان برای درهم‌شکستن ساختار مردسالار حاکم و بازتولید نوعی ساختار اجتماعی بود که سطح عاملیت ایشان را در اجتماع نه‌چندان کوچکشان ترفیع می‌بخشد.

مصرف قلیان و اوقات فراغت

یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش می‌گوید:

به دفعات پیش اومده من و خانوم‌های خانه‌دار دیگه که دور هم جمع می‌شیم دلمون می‌خواد برای سرگرمی مون کارهایی انجام بدیم که در تلویزیون به نمایش درمی‌آد و خانوم‌های هم‌سن‌وسال ما به‌خصوص در فیلم‌ها اون رو انجام دادن و احساس رضایت می‌کنن؛ اما چون هیچ‌یک از اون شرایط تفریح و سرگرمی برامون مهیا نیست، به‌ناچار طبق روال همیشه دسته‌جمعی شروع به کشیدن قلیون می‌کنیم (مشارکت‌کننده ۱۰).

درحقیقت، یکی از مسائل مهم که باید به آن توجه کرد آگاهی‌یافتن زنان خانه‌دار از موقعیتی بالنسبه مطلوب‌تر است که هم‌رده‌های آن‌ها در جاهایی چون کلان‌شهرها از آن برخوردارند. با توجه به سطح فزاینده انتقال اطلاعات به‌واسطه رسانه‌های جمعی، که محبوب‌ترین آن تلویزیون‌های دولتی و نیز ماهواره‌ای است، روزبه‌روز سطح آگاهی زنان مورد بحث در جنبه‌های مختلف بیشتر شده و به این ترتیب مراتب انتظارات و خواسته‌های آن‌ها در جایگاه یک «زن خانه‌دار» رو به فزونی می‌گذارد [۳۹]. همان‌طور که طی حضور در میدان نیز وجود دستگاه‌هایی که گیرنده شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای است چشمگیر است، وقتی وارد سطح دیگری از تحلیل مسئله می‌شویم، می‌بینیم که امکان دستیابی آن‌ها به انتظارات اعلام‌شده، که در اینجا دسترسی به وسایل تفریحی و به تبع آن گذران اوقات فراغت است، با موانع جدی روبه‌روست. فارغ از موقعیت وجودی آنان در سلسله‌مراتب اجتماعی مردسالار، در اینجا کافی است به مسئله‌ای همچون قرارگرفتن آن‌ها در شرایط زیستی و جغرافیایی سختی اشاره شود که فارغ از هرگونه امکانات رفاهی و تفریحی است؛ امری که در نتیجه باعث می‌شود زن خانه‌دار ساکن در روستای دامن به پایین‌ترین سطوح انتظارات خویش اکتفا کند و لذا مصرف قلیان برای وی به ابزاری برای گذران اوقات فراغت و سرگرمی تبدیل شود. سخنان یکی از زنان مصاحبه‌شونده در این ارتباط بسیار درخور تأمل است. وی می‌گوید:

چند سال پیش زمین کوچکی در اندازه ۲۰۰ یا ۳۰۰ متر از طرف دهیاری دامن برای نصب وسایل سرگرمی در نظر گرفته شد. اما وسایلی که در اون قرار داده شد فقط برای کودکان اینجا مناسبه و خانوم‌هایی که ساکن روستا هستن برای سرگرمی و گذران اوقات فراغت فقط می‌تونن سوزن‌دوزی کنن یا قلیون بکشن (مشارکت‌کننده ۱۹).

مصرف قلیان و درمان بیماری

یکی از یافته‌های چالش‌برانگیز پژوهش حاضر این است که برخلاف نتایج بسیاری از پژوهش‌ها و گزارش‌های حوزه پزشکی و سلامت پیرامون آثار مخرب و آسیب‌زای مصرف دخانیات،

مصرف‌کنندگان قلیان به خاصیت درمانی آن درخصوص برخی از بیماری‌ها معتقدند. گزیده نقل قول یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بسی جالب توجه است.

همیشه دچار سردردهای مزمن و گرفتگی و درد در قسمت زانو و پاهام می‌شم. من، همسایه‌ها و زنان فامیل هر زمان درگیر این‌گونه دردها می‌شیم، برای رفع اون قلیون می‌کشیم تا حالمون خوب بشه (مشارکت‌کننده ۸).

خانمی دیگر همچنین می‌گوید:

مادربزرگم تا پیش از اینکه فوت کنه، به دلیل دردهایی که خصوصاً در ناحیه پاهای و دست‌هاش داشت، به پزشک مراجعه می‌کرد. اما اون همیشه می‌گفت اون طوری که با قلیون کشیدن حالش بهتر می‌شه، با داروهای پزشک بهتر نمی‌شه (مشارکت‌کننده ۱۷).

آنچه ملاحظه می‌شود اینکه حاکمیت سنن، اعتقادات و فرهنگ بومی، که به هر حال بخشی از دانش بومی مردمان این منطقه را نیز تشکیل می‌دهد، چطور تعیین‌کننده نوع رفتار یا تکرار و میزان پایبندی به آن رفتار است. اگر از گذشته نیاکانی این افراد چشم‌پوشی کنیم، در چند دهه اخیر، افزایش تسهیلات مربوط به دسترسی مردم به رسانه‌های خبری و منابع اطلاعاتی مختلف را شاهدیم که در قالب برنامه‌های گوناگون شروع به آگاهی‌بخشی راجع به تأثیرات زیان‌بار دخانیات و از جمله قلیان کرده‌اند [۴۰]، اما اینکه چه چیز باعث می‌شود افراد همچنان به قدرت درمان‌کنندگی قلیان معتقد باشند سؤالی است که به نظر می‌رسد پاسخ آن را باید در همان غلبه اعتقادات انتقال‌یافته در فراگرد جامعه‌پذیری افراد در این جامعه جست‌وجو کرد؛ جامعه‌ای محلی و نسبتاً کوچک که کمتر دستخوش تغییرات حاصل از فرایندهایی همچون جهانی‌شدن شده و در آن ارزش‌ها و اعتقادات سنتی همچنان بازتولید می‌شوند.

مصرف قلیان، تقویت و تداوم انسجام گروه

مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های انجام‌شده از سوی نگارندگان نشان می‌دهد که استعمال قلیان بین زنان خانه‌دار بلوچ کاری گروهی و جمعی است. آن‌ها اغلب ترجیح می‌دهند در دورهمی‌ها و گردهمایی‌های گروهی، که به دلایل و بهانه‌های مختلف برگزار می‌شود، به مصرف قلیان بپردازند. این گروه‌ها، که بیشتر شامل گروه‌های دوستی، فامیل و همسالان می‌شود، عمدتاً اعضای چهار تا هفت نفره دارد. اعضای گروه‌های مزبور قطعاً به لحاظ ادراکی، احساسی و به خصوص کاری با یکدیگر مشابهت بسیار دارند. علاوه بر فعالیت‌های داخل منزل، زنان بلوچ ساکن در روستای دامن اغلب به فعالیت‌هایی اقدام می‌کنند که علاوه بر اینکه با قدرت تولیدکنندگی اقتصادی ایشان پیوند یافته، نحوه و محل انجام‌دادن آن‌ها نیز در جهت انجام‌دادن نوعی عمل گروهی قرار می‌گیرد. فعالیت‌هایی همچون سوزن‌دوزی، حصیربافی، سبذبافی و نیز پاک‌کردن و بسته‌بندی خرماهای جمع‌آوری‌شده از درختان نخل با در نظر گرفتن سایر

فرصت‌های موجود برای گردهمایی ایشان، مجموعه‌بسترهایی است که همواره زنان خانه‌دار دامنی را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. در این میان، استعمال جمعی و گروهی قلیان، که در محل‌هایی صورت می‌گیرد که در آن به انجام دادن فعالیت‌های ذکرشده می‌پردازند، به‌زعم خود مشارکت‌کنندگان، عاملی مؤثر در تقویت هرچه بیشتر اجتماع محلی و دوستانه آنان است.

بعضی وقت‌ها اتفاق می‌افتد که به‌تنهایی قلیون بکشیم؛ اما در اکثر موارد دوست دارم با دوستان و همسایگان وقتی دور هم هستیم، کاری انجام می‌دهیم یا حتی زمان‌های بیکاری موم دسته‌جمعی اون رو مصرف کنم (مشارکت‌کننده ۶).

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در بخش یافته‌ها آمد، پیش از هر چیز، نشان می‌دهد که نوعی ارتباط میان شیوع مصرف قلیان در میان زنان مطالعه‌شده با سن ایشان وجود دارد. این موضوع همچنین در نتایج برخی مطالعات دیگر نیز اشاره شده است؛ همچون پژوهش گایدی و همکارانش (۲۰۱۷) که در آن به‌وضوح تصریح شده که هنجارهای اجتماعی موجود بین مصرف‌کنندگان موجب شیوع مصرف قلیان میان آن‌ها می‌شود [۳۱]. برخی دیگر از پژوهش‌گران نیز، همچون جهان‌پور و همکارانش (۱۳۹۳)، از این مسئله با عنوان «نفوذ فرهنگ» یاد کرده‌اند [۴]. در واقع، به نظر می‌رسد سُننی که در گذر زمان به مردم روستا منتقل شده به تعبیری بوردیویی به منش یا عادت‌واره‌ای تبدیل شده که جهان رفتاری آن‌ها را جهت می‌دهد [۲۲]. در هر حال، در گذر از این عامل باید به چشم‌انداز وسیع‌تری در باب دیگر فاکتورهای دخیل نظر داشت. یکی از این دلالت‌های مهم، که در پژوهش‌های گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته، «تأیید و هویت‌یابی اجتماعی» است. گویی مصرف‌کنندگان قلیان به‌دلیل قرار گرفتن در موقعیت ابهام‌آمیز پس از ازدواج و تأهل، هرچه بیشتر نیازمند یاری گرفتن از نمادها و نشانه‌های اجتماعی متعددی‌اند تا به مدد آن‌ها به موقعیتی معین و هویتی تثبیت‌شده دست یابند. همان‌طور که ملاحظه شد، مجموعه اعمال صورت‌گرفته پس از ازدواج، که در این فرایند توجه ما منحصرأ به مصرف قلیان از سوی زنان خانه‌دار روستا معطوف است، عمده فعالیت‌هایی است که موجب انتقال از موقعیتی مبهم به سمت موقعیتی معین می‌شود [۱۲].

علاوه بر آنچه آمد، بسترهای مهمی که در رابطه با استعمال قلیان از سوی بسیاری از پژوهش‌گران مورد تأکید قرار گرفته، تنش‌های تسری‌یافته به این بخش از اجتماع محلی یعنی زنان خانه‌دار است. فارغ از مطالعه کنونی، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، در تحقیقاتی که برخی پژوهش‌گران همچون دهداری و همکاران (۱۳۹۱)، سهراب‌زاده و پرنیان (۱۳۹۴) و محمدخانی و رضایی‌جمالویی (۱۳۹۵) انجام داده‌اند، عنوان شده که یکی از دلایل عمده و بنیادین افراد برای استعمال این ماده دخانی دوری‌جستن از تنش و اضطراب است [۵؛ ۸؛ ۱۱].

یکی از دستاوردهای مهم قابل طرح پژوهش حاضر در فهم مناسبات قدرتی نهفته است که در میدان پژوهش شده جاری است. در شرایطی که ساختارهای مسلط تمایلی تاریخی در سلب قدرت از زنان بلوچ دارند، ایشان همواره از هر فرصتی برای کنش‌ورزی یا کسب و نشان‌دادن عاملیت خویش بهره برده‌اند. به‌طور مشخص و در ارتباط با پدیده مطالعه‌شده، یافته‌ها نشان داد که به‌ویژه مصرف دسته‌جمعی و گروهی قلیان از سوی زنان خانه‌دار روستا به ایشان در جهت دستیابی به قدرتی ولو اندک و کم‌فروغ کمک می‌کند و عاملیت آن‌ها را تقویت می‌کند. درحقیقت، علاوه بر اینکه زنان بلوچ به‌عنوان نیمی از جمعیت اجتماع مورد نظر عرصه باورهایشان به مناسبات کنونی در حال تغییر و تبدیل است [۲۰]، گویی خود عامل مسلط مردانه نیز با زنان هم‌رأی می‌شود و از دیگر سو، حتی به‌طوری ناخواسته، در جهت این دگرگونی و تغییر حرکت و تحقق آن را تسهیل می‌کند. هرچند نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که شاید مردان برای ابقای خود و حفظ موقعیت خویش به ایجاد میدانی از پاسخ‌ها، واکنش‌ها، تأثیرات و ابداع‌های ممکن برای زنان مورد بحث ناچار شده‌اند [۹].

یافته‌ها همچنین ارتباطی را میان مصرف قلیان و مقوله اوقات فراغت نشان می‌دهد؛ ارتباطی که در اغلب پژوهش‌ها بدان اشاره شده است؛ مثلاً، می‌توان به مطالعه پژوهش‌گرانی همچون دهداری و همکاران (۱۳۹۱) یا سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد که هر یک در پژوهش خویش بر سهمی از این مؤلفه در شیوع پدیده مصرف قلیان تأکید داشته‌اند [۵؛ ۸]. در فهم چرایی این موضوع، یادآوری این مطلب ضروری است که نهادها و پدیده‌های فرهنگی پاسخی به نیازهای مختلف موجود در ما هستند [۳۷]؛ ازاین‌رو، پدیده اجتماعی- فرهنگی مصرف قلیان نیز خارج از این صورت‌بندی قابل ادراک نیست. به بیانی روشن‌تر، پس از طی فراگردی از ساختن و ایجاد برخی نیازها، که در اینجا منحصراً تفریح و لذت‌گرایی زنان خانه‌دار مدنظر است، افراد ذکرشده با توجه به مواجهه با برخی موانع پیش‌آمده در جهت دستیابی به راه‌های پیش‌بینی‌شده برای تأمین آن نیازها، براساس امکانات فرهنگی خویش به‌طور فعالی دست به عمل می‌زنند و مطالبه‌گری را آغاز می‌کنند. نظر به آنکه مصرف قلیان در فرهنگ مطالعه‌شده امری مذموم نبوده و هنجارهای موجود در ارتباط با جامعه مطالعه‌شده اتفاقاً آن را تأیید می‌کند، می‌توان گفت که مصرف قلیان و امور مشابه، پاسخ‌هایی فرهنگی هستند به مجموعه‌ای از نیازهای مشخص و از جمله، نیاز به تفریح و سرگرمی.

در بخش یافته‌ها، مقوله‌ای با عنوان «مصرف قلیان و درمان بیماری» آمده که نگارندگان آن را در پژوهش‌های پیشین ندیده‌اند؛ هرچند این موضوع به لحاظ مردم‌شناختی موضوعی آن‌چنان غامض و چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. درواقع، نتایج پژوهش‌های مردم‌شناختی در میان شمن‌ها، صوفی‌نمایان و گاه برخی صوفیان چنین امری را تا حد زیادی قابل فهم می‌نماید؛ چنان‌که گفته شده است این افراد یا از طریق رقص و موسیقی یا استعمال برخی مواد وهم‌آور،

مخدر و مشروبات مسکر از احوالات طبیعی خارج می‌شوند [۱۴] و به نوعی مرز میان واقعیت و وهم در ذهن ایشان مخدوش می‌شود و در این میان، تجارب و تصوراتی که از بدن و یا موضوعات دیگر در حالت خلسگی بر افراد واقع می‌شود به‌اشتباه با ادراکات فرد در حالت طبیعی یکسان پنداشته می‌شود [۱؛ ۱۰]. از این منظر، دعوی زنان خانه‌دار مبنی بر تسکین درد پس از استعمال قلیان را می‌توان این‌گونه فهم کرد که گویی ایشان نیز به دلیل مصرف این ماده تخدیرآور، قدری از حالات طبیعی فاصله می‌گیرند و این مسئله احتمالاً موجب تغییر ادراک آن‌ها از آلامی می‌شود که فیزیک بدنشان را درگیر خود کرده است. بنابراین، در تصورات زنان خانه‌دار روستا مصرف قلیان به عاملی برای درمان برخی بیماری‌های آن‌ها تبدیل شده است.

چگونگی تقویت و تداوم انسجام گروه یا اجتماع زنانه از خلال مصرف قلیان، به‌ویژه در صورت جمعی آن، به‌عنوان آخرین مقوله بحث‌شده در پژوهش حاضر، تأکیدی مجدد بر ایده نخستین این نوشتار مبتنی بر این نکته است که مصرف قلیان را باید در گروه «پدیده‌های تام اجتماعی» قرار داد که در حول خود، زمینه‌های فرهنگی و دلالت‌های معنایی گوناگون را بازمی‌نماید [۳۸]. در ساده‌ترین صورت، مصرف قلیان را باید از این منظر پدیده‌ای اجتماعی دانست که زنان خانه‌دار سطح روستا را در گروه‌های اجتماعی مشخص و نیز گروه‌های دوستی‌شان گرد هم جمع می‌کند، روابط اجتماعی را مجدداً میان آن‌ها برقرار می‌کند و در نتیجه، امکانی برای تقویت هرچه بیشتر و تداوم انسجام گروهی ایشان را فراهم می‌کند.

به‌طور کلی و در یک جمع‌بندی کوتاه، می‌توان گفت پژوهش حاضر با حرکت در جهت سوالات اصلی مطرح در آن - یعنی نشان‌دادن اینکه مصرف قلیان برای زنان دامن‌حائز چه معانی با کدام دلالت‌های معنابخش بوده، چه نسبتی با موقعیت زیستی و جهان آن‌ها دارد؛ و ایشان از این طریق در جست‌وجوی چه چیزی‌اند؟ - نشان داد که پدیده مصرف قلیان مسئله‌ای نیست که صرفاً از نظرگاه پزشکی، انحرافات اجتماعی یا روان‌شناسانه به آن نگریسته شود، بلکه فارغ از همه این جنبه‌ها، این پدیده یک مضمون فرهنگی - اجتماعی بسیار درخور تأمل است. همان‌طور که در صفحات گذشته مشاهده کردیم، در جریان مصرف قلیان از سوی زنان خانه‌دار روستای دامن، ابعاد و عوامل فرهنگی بس تعیین‌کننده‌ای برای مهیا کردن بستر و روی آوردن به آن دخیل‌اند. عقاید، سنن و آداب و رسوم، احساس نیاز به تأیید و هویت‌یابی در سطح اجتماع روستا، دوری‌جستن از تنش و اضطراب‌های انتقال‌یافته به فرد طی ارتباطات اجتماعی و زندگی روزمره و نیز تلاش برای دستیابی به نوعی عاملیت زنانه در اجتماع برای تخفیف فشارهای روحی واردآمده، ارتقای سطح نیازمندی‌های زنان در زمینه تفریح، لذت‌گرایی و گذران اوقات فراغت و نارضایتی از امکانات تفریحی مرسوم، اعتقاد بر درمان‌کنندگی قلیان و تسکین برخی آلام جسمی آن‌ها از طریق مصرف آن و همچنین ابزار قراردادن قلیان به‌منزله مؤلفه‌ای که موجب تقویت و تداوم هرچه بیشتر انسجام گروهی زنان می‌شود، عمده دلایل و مقوله‌هایی

هستند که روشنی‌بخش و تبیین‌کننده چنین رفتار فرهنگی در میان زنان خانه‌دار است. بنابراین، همچنان که یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد، این پدیده فرهنگی-اجتماعی با مجموعه حقایق اجتماعی در ارتباطی بس تنگاتنگ قرار گرفته؛ به طوری که انفکاک آن‌ها از یکدیگر میسر نیست و برای فهم بهتر و کامل‌تر آن نیازمند در نظر گرفتن همه این مجموعه در کلیت خویش هستیم. با این‌همه و به هیچ‌روی قصد ما انکار یا سرپوش گذاشتن بر پیامدهای زبان‌بار و آسیب‌زننده مصرف دخانیات نبوده است؛ به‌عکس، بر مبنای اعتقاد به نوعی «بینش انسان‌شناختی» بر این باوریم که حل مسئله اساساً مستلزم فهم مسئله بوده و در ارتباط با پدیده مطالعه‌شده نیز ناگزیر از توجه به زمینه‌ها و دلالت‌هایی هستیم که به گسترش هرچه بیشتر آن در جامعه مطالعه‌شده منجر می‌شود. بنابراین، پیش از هرچیز نیازمند برنامه‌ریزی به‌منظور ارتقای کیفیت زندگی زنانی هستیم که موقعیت در حاشیه آنان زمینه‌ساز سوق‌یافتن ایشان به سوی پدیده‌های این‌چنینی است.

منابع

- [۱] آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۷۶). *عرفان*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- [۲] بلیکی، نورمن (۱۳۹۲). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- [۳] ترقی‌جاه، صدیقه؛ حمدیه، مصطفی؛ یعقوبی، نرگس (۱۳۸۹). «عوامل پیش‌بینی‌کننده مصرف سیگار و قلیان در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی»، *مجله پژوهش در پزشکی*، س ۳۴، ش ۴، ص ۲۴۹-۲۵۶.
- [۴] جهان‌پور، فائزه؛ واحدپرست، حکیمه؛ روانی‌پور، مریم؛ عضدی، مریم (۱۳۹۳). «علل گرایش به مصرف قلیان در نوجوانان و جوانان: یک مطالعه کیفی»، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، س ۳، ش ۴، ص ۳۴۰-۳۴۸.
- [۵] دهداری، طاهره؛ جعفری، علی‌رضا؛ جوینی، حمید (۱۳۹۵). «بررسی دیدگاه‌های دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران در مورد عوامل مؤثر بر مصرف قلیان»، *مجله علوم پزشکی رازی*، س ۱۹، ش ۹۵، ص ۱۷-۲۴.
- [۶] سعید فیروزآبادی، ملیحه؛ طهماسبی، رحیم؛ نوروزی، آرزیتا (۱۳۹۴). «بررسی وضعیت وابستگی به نیکوتین و برخی از عوامل مرتبط با آن در زنان مصرف‌کننده قلیان شهر بوشهر سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳»، *دوماهنامه طب جنوب*، س ۱۸، ش ۴، ص ۷۶۱-۷۷۲.
- [۷] سمسار، محمدحسن (۱۳۴۲). «نظری به پیدایش قلیان و چپق در ایران»، *هنر و مردم*، س ۲، ش ۱۷، ص ۱۴-۲۵.
- [۸] سهراب‌زاده، مهران؛ پرنیان، لیلا (۱۳۹۴). «مطالعه کیفی مصرف قلیان بین دختران و زنان جوان شهر شیراز». *مجله زن در توسعه و سیاست*، س ۱۳، ش ۲، ص ۱۹۳-۲۲۴.

- [۹] فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نی.
- [۱۰] کاستاندا، کارلوس (۱۳۷۴). *تعلیمات دون‌خوان*، ترجمه حسین نیر، تهران: فردوس.
- [۱۱] محمدخانی، شهرام؛ رضایی جمالویی، حسن (۱۳۹۵). «رابطه مصرف سیگار و قلیان با عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی نوجوانان»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، س ۲۲، ش ۲، ص ۲۶۲-۲۸۰.
- [۱۲] مور، جری‌دی (۱۳۸۹). *زندگی و اندیشه بزرگان انسان‌شناسی*، ترجمه هاشم آقابیک‌پوری و جعفر احمدی، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۱۳] مؤمنان، امیرعباس؛ سربندی زابلی، فاطمه؛ اعتمادی، آرش؛ عزیزی، فریدون (۱۳۸۶). «الگوی مصرف قلیان بین نوجوانان دانش‌آموز: مطالعه مقطعی در منطقه ۱۳ شهر تهران»، *مجله پایش*، س ۶، ش ۲، ص ۱۳۵-۱۴۴.
- [۱۴] نیکوبخت، ناصر؛ قاسم‌زاده، سیدعلی (۱۳۸۸). «روش‌های خلسگی شمنیسم در برخی از فرقه‌های تصوف»، *مطالعات عرفانی*، س ۹، ص ۱۸۵-۲۱۶.
- [15] Agaku, IT, et al (2013). 'Use of conventional and novel smokeless tobacco products among US adolescents', *Pediatrics*, 132 (3): PP 578-586.
- [16] Akl, E A, et al (2015). 'The allure of the waterpipe: a narrative review of factors affecting the epidemic rise in waterpipe smoking among young persons globally', *Tobacco Control* / Published Online First: 24 January 2015.
- [17] Arıçigil, M. & Arbag, H. (2018). 'Hookah Smoking Impairs Nasal Mucociliary Clearance', *Tobacco Induced Diseases*, 16 (6): PP 1-6.
- [18] Baheiraei, A., et al (2015). 'Factors that Contribute in the First Hookah Smoking Trial by Women: A Qualitative Study from Iran', *Iran J Public Health*, 44 (1): PP 100-110.
- [19] Bombard, JM.; Rock, VJ; Pederson, LL & Asman, KJ. (2008). 'Monitoring polytobacco use among adolescents: do cigarette smokers use other forms of tobacco?', *Nicotine Tob Res*, 10 (11): PP 1581-9.
- [20] Bourdieu, P. (1977). *Outline of a Theory of Practice* (Richard Nice, trans). New York: Cambridge University Press.
- [21] Bourdieu, P. (1985). 'The Genesis of the Concepts of Habitus and Field', *Sociocriticism*, 2 (2): PP 11-24.
- [22] Bourdieu, P. (2000). *Pascalian Meditation*. (Richard Nice, trans). Stanford, Calif: Stanford University Press.
- [23] Brix, J. (2006). *Encyclopedia of Anthropology* (V. 2). CA: Sage Publications.
- [24] Braun, V. & Clarke, V. (2006). 'Using thematic analysis in psychology', *Qualitative Research in Psychology* 3 (2): PP 77- 101.
- [25] Daou, KN, Bou-Orm, IR & Adib, SM. (2018). 'Factors associated with waterpipe tobacco smoking among Lebanese women', *Women and Health*, 14: PP 1-11.

- [26] Delbarre, AS & Aghi, MB. (2013). 'A Comparative Study of Perceptions on Tobacco in Vulnerable Populations between India and France', *Global Health Promotion*, 20 (4): PP 82–89.
- [27] Fernandez, J. (1982). *Bwiti: An Ethnography of the Religious Imagination in Africa*, Princeton: Princeton University Press.
- [28] Fernandez, J. (1986). *Persuasions and Performances: The Play of Tropes in Culture*. Bloomington: Indiana University Press.
- [29] Foucault, M. (1992). *Le Pouvoir, Comment S'exerce-t-il*. Paris: Larousse.
- [30] Gilpin, EA & Pierce, JP. (2003). 'Concurrent use of tobacco products by California adolescents', *Prev Med*. 36 (5): PP 575–84.
- [31] Guidry, JPD; Haddad, LG; Jin, Y & Zhang, Y. (2017). 'Hookah, Shisha, Narghile: The Portrayal of Waterpipe Smoking on Instagram', *Journal of Healthcare Communications*. 2 (3): P 34.
- [32] Hadidi, KA & Mohammed, FI. (2004). 'Nicotine content in tobacco used in hubble-bubble smoking', *Saudi Medical Journal*. 25: PP 912–917.
- [33] Health Indicators in Islamic Republic of Iran. Accessed: June 16, 2012, at: <http://pr.shmu.ac.ir/data/profinfo/7/emamian/files/3718.pdf>. (Persian).
- [34] Jones, D. (1980). 'Gossip: Notes on women's oral Culture', *Women's Studies International Quarterly*, 3 (2-3): PP 193-198.
- [35] Ina, JX. (2005). *Analytics of the Modern: An Introduction*. In *Anthropologies of Modernity*. Edited by: Jonathan Xavier Ina. Malden: Blackwell.
- [36] Kandela, P. (2000). 'Narghile smoking keeps Arabs in wonderland', *Lancet*. 30 (365): 1175.
- [37] Malinowski, B. (1944). *A Scientific Theory of Culture and Other Essays*. Chapel Hill: University of North Carolina Press.
- [38] Mauss, M. (1967). *The Gift: Forms and Functions of Exchange in Archaic Societies*. New York: Norton.
- [39] Maziak, W, et al (2014). 'The Global Epidemiology of Waterpipe Smoking', *Tob Control*. 0: 1–10.
- [40] Nakkash, R & Khalil J. (2010). 'Health warning labelling practices on narghile (shisha, hookah) waterpipe tobacco products and related accessories', *Tob Control*. 19: PP 235-239.
- [41] Nasim, A, et al (2012). 'Trends in alternative tobacco use among light, moderate, and heavy smokers in adolescence, 1999–2009', *Addict Behav*. 37 (7): PP 866–70.
- [42] Ostrow, J. M. (2000). *Culture as a Fundamental Dimension of Experience: A Discussion of Pierre Bourdieu's Theory of Human Habitus*, in D. M. Robbins (ed.). (v. 1). London: Sage.
- [43] Palipudi, KM, et al (2013). 'Methodology of the Global Adult Tobacco Survey — 2008–2010', *Global Health Promotion*. 23 (2): PP 3–23.

- [44] Polanyi, k. (1957). The Economy as Instituted Process. *Trade and Markets in the Early Empires*. 3: PP 243-270.
- [45] Schuster, RM; Hertel, AW & Mermelstein, R. (2013). 'Cigar, cigarillo, and little cigar use among current cigarette-smoking adolescents', *Nicotine Tob Res*. 15 (5): PP 925-31.
- [46] Vupputuri, S, et al (2016). 'Midwakh/dokha tobacco use in the Middle East: much to learn', *Tob Control*. 25: PP 236-241.
- [47] Ward, KD. (2015). 'The waterpipe: an emerging global epidemic in need of action', *Tob Control*. 24 (S1): PP i1-i2.
- [48] World Health organization. Accessed: September 1, 2018, at: <http://www.who.int/news-room/detail/19-07-2017>.